

صادرات فرش ایرانی در رکود

بنابر آمار گمرک ایران،

فرش دستباف نتوانسته جایگاه واقعی خود را در بازار جهانی پیدا کند

فرش دستباف ایرانی، نماد هنر اصیل و به‌عنوان میراثی کهن از فرهنگ این سرزمین، همواره در بازارهای جهانی جایگاه ویژه‌ای داشته است. با این حال، آمارهای اخیر گمرک ایران نشان می‌دهد که سهم این صنعت از صادرات کشور هنوز کمتر از حد انتظار است. در سال ۱۴۰۳، مجموع صادرات فرش دستباف و گبه به بیش از ۴۱ میلیون و ۷۰۰ هزار دلار رسید. این رقم اگرچه نسبت به سال ۱۴۰۲ رشد سه درصدی داشته، اما همچنان فاصله زیادی با ارقام بالای سال‌های گذشته دارد؛ زمانی که صادرات فرش به مرز صدها میلیون دلار می‌رسید. وضعیت فعلی، گویای آن است که با وجود ظرفیت‌های بالای فرهنگی، هنری و اقتصادی فرش ایرانی نتوانسته جایگاه شایسته خود را در تجارت جهانی بازپس گیرد. به گفته آرزو غنوین، معاون دفتر آمار و پردازش اطلاعات گمرک ایران، بیشترین صادرات فرش دستباف و گبه در سال گذشته به کشورهای آلمان، امارات متحده عربی، ژاپن و چین به ارزش ۲۲.۶ میلیون دلار بوده است. همچنین در مجموع، فرش‌های دستباف و گبه ایرانی در سال ۱۴۰۳ به ۵۵ کشور مختلف صادر شده‌اند.

اگرچه صادرات فرش دستباف ایرانی به ۵۵ کشور جهان، در ظاهر آماری چشمگیر به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که حجم صادرات به بسیاری از کشورهای مقصد چندان قابل توجه نبوده است. تمرکز صادرات بر تعداد محدودی از کشورها، نشان دهنده نبود سیاست‌گذاری منسجم و بلندمدت برای گسترش بازارهای جدید و کاهش وابستگی به بازارهای محدود است. این در حالی است که فرش ایرانی با داشتن شهرت جهانی، تنوع بی‌نظیر در طرح و نقش، کیفیت عالی و پشتوانه فرهنگی غنی، پتانسیل بالایی جهت نفوذ بیشتر در بازارهای جهانی دارد.

تحلیل وضعیت صادرات فرش ایرانی

در دهه‌های گذشته، بازارهای اروپا و آمریکای شمالی از مهم‌ترین مقاصد فرش ایرانی محسوب می‌شدند. البته به دلیل ضعف در بازاریابی، نبود برندسازی مؤثر، مشکلات مربوط به نقل و انتقال مالی ناشی از تحریم‌ها و عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان، بسیاری از این بازارها از دست رفته یا سهم ایران در آن‌ها به‌شدت کاهش یافته است. ورود رقبای منطقه‌ای و جهانی با سیاست‌های تهاجمی‌تر نیز سهم ایران را در بازار جهانی بیش از پیش تحت تأثیر قرار داد. با توجه به ظرفیت بالای این صنعت در ایجاد اشتغال، ارزآوری و حفظ میراث فرهنگی، بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه فرش معتقدند که احیای جایگاه جهانی فرش ایرانی نیازمند یک بازنگری جدی در سیاست‌های حمایتی و صادراتی است. تولید با کیفیت، آموزش نیروی انسانی ماهر، حمایت هدفمند دولتی و حضور مؤثر در نمایشگاه‌های بین‌المللی از جمله اقداماتی است که می‌تواند بازگشت به دوران طلایی صادرات فرش را در پی داشته باشد.

اگرچه صادرات فرش دستباف ایرانی همچنان ادامه دارد، اما فاصله آن با شکوه پیشین این هنر ملی چشمگیر است. برای جلوگیری از به حاشیه رفتن این نماد فرهنگی در بازار جهانی، لازم است با نگاهی هوشمندانه و راهبردی، جایگاه برند فرش ایرانی بازتعریف و تثبیت شود. در غیر این صورت، خطر فراموشی تدریجی این سرمایه ملی بیش از هر زمان دیگری احساس خواهد شد.

دلایل اصلی کاهش صادرات فرش

سید رسی حاجی آقامیری، رئیس اسبق کنفدراسیون صادرات ایران در گفت‌وگو با آتی‌نو، ضمن اشاره به اینکه صادرات فرش دستباف طی سه دهه اخیر با افت وحشتناکی روبه‌رو بوده، بیان کرد: «دلیل عمده این موضوع به نحوه ارتباطات بین‌المللی کشورمان با دنیا و تحریم‌ها مربوط می‌شود. تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، صادرات فرش عملاً امکان‌پذیر نیست.» این صادرکننده فرش ایرانی افزود: «زمانی در دهه شصت، ارزش صادرات فرش کشورمان حدود ۱٫۷ میلیارد دلار بود. در دهه هشتاد نیز از دو میلیارد دلار فراتر رفت، اما امروز این میزان به زیر ۵۰ میلیون دلار در سال سقوط کرده، که به اعتقاد من صفر بوده و واقعاً فاجعه‌آمیز است.» او ادامه داد: «خود من چند سالی است که به دلیل وضعیت موجود خانه‌نشینم. برای تاجر و تولیدکننده ایرانی در دنیا مشکلات زیادی وجود دارد. او حتی برای رزرو هتل در اروپا با مشکل روبه‌رو است، زیرا حق داشتن کارت اعتباری را ندارد. در این شرایط صحبت از افزایش صادرات فرش واقعاً گرافه است.»

این عضو اتاق بازرگانی اضافه کرد: «وقتی برای تک‌تک کارهایی که یک تاجر فرش به‌منظور صادرات فرش باید انجام دهد، مشکل وجود دارد، عملاً کار قفل می‌شود و بسیاری عطای این کار را به لقایش می‌بخشند. افزایش صادرات، نیازمند بازاریابی برای فرش دستباف است، ولی با وضعیت تحریم‌ها عملاً کاری نمی‌توان از پیش برد.»

حاجی آقامیری یادآور شد: «برای بازگشت ارزش صادراتی مشکلات بسیاری وجود دارد. جدا از معضلات ناشی از تحریم‌های مالی و مشکل در نقل و انتقالات مالی، در داخل نیز صادرکنندگان با مصیبت‌های زیادی



اسطوره‌ها، اقوام و اقلیم‌های مختلف کشور، ارزش افزوده معنوی فرش را افزایش داده و آن را در ذهن مخاطبان جهانی نهادینه سازد.

فقدان سیاست‌های حمایتی

ضرورت ایجاد زنجیره تأمین منسجم از تولید تا صادرات، نکته‌ای است که نباید از نظر دور داشت. در حال حاضر بسیاری از بافندگان و کارگاه‌های کوچک به دلیل نبود حمایت مالی و عدم اطمینان از بازار فروش، انگیزه‌ای برای تولید ندارند. ایجاد تعاونی‌های تخصصی، تخصیص تسهیلات هدفمند و ایجاد ارتباط میان تولیدکننده و صادرکننده، باعث احیای زنجیره تولید و بازگشت اعتماد به این حوزه می‌شود. در این میان، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی، به‌ویژه در مناطق روستایی و عشایری که خاستگاه اصلی تولید فرش است، اهمیت مضاعفی دارد. حضور نهادهای واسطه با نقش تسهیل‌گر، همچون نهادهای توسعه روستایی یا سازمان‌های مردم‌نهاد فرهنگی، به کاهش فاصله میان بافنده، بازار و صادرات کمک می‌کند. همچنین راه‌اندازی سامانه‌های دیجیتال برای شفاف‌سازی فرایند خرید، سفارش‌گیری و پرداخت به افزایش امنیت اقتصادی و شفافیت در این زنجیره می‌انجامد و انگیزه مشارکت را در میان بازیگران کوچک‌تر این صنعت تقویت می‌کند.

کوچ متخصصان از هنر فرش دستباف

در سال‌های اخیر، هنر -صنعت فرش دستباف ایران با نوعی آشفتگی در سیاست‌گذاری و نبود یک راهبرد کلان مواجه بوده است. فقدان هماهنگی میان نهادهای متولی، نبود نقشه‌راه مشخص برای توسعه بازارهای داخلی و خارجی و ناتوانی در به‌روزرسانی سازوکارهای حمایتی، باعث شده این حوزه بیش از پیش در حاشیه قرار گیرد. فرش دستباف که زمانی به‌عنوان نماد هویت فرهنگی و موتور محرک صادرات غیرنفتی ایران شناخته می‌شد، اکنون بدون پشتوانه مشخص، در رقابت با رقبای منطقه‌ای، جایگاه خود را از دست داده است. در چنین شرایطی، نیروهای متخصصی که در این عرصه سال‌ها تجربه و دانش اندوخته‌اند، یا به ناچار جذب صنایع دیگر شده‌اند و یا در سکوت و بی‌انگیزگی، فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. نبود ساختارهای حمایتی مؤثر، فقدان مشوق‌های مالی و عدم اطمینان از آینده شغلی، باعث شده بسیاری از بافندگان، طراحان و فعالان حوزه فرش از این عرصه کنار بروند. این امر تهدیدی جدی برای آینده هنر -صنعت فرش به‌شمار می‌آید.

مهاجرت استادکاران، تهدیدی برای فرش ایرانی

فرش دستباف ایرانی با پیشینه‌ای غنی و به‌عنوان میراثی فرهنگی، همیشه نماد هویت ایرانی در عرصه‌های جهانی بوده است. این صنعت نه‌تنها یک کالای اقتصادی با اهمیت، بلکه یک ارزش فرهنگی برای اقوام مختلف ایران قلمداد می‌شود. در حالی که صنعت فرش در گذشته نقشی کلیدی در معرفی فرهنگ ایران ایفا می‌کرد، اکنون با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. در سال‌های اخیر، فرش ایرانی دچار افت قابل‌توجهی در صادرات و اشتغال شده است. یحیی آل اسحاق، مشاور عالی وزیر صمت، به این مسئله اشاره می‌کند که در دوره‌ای، صادرات فرش ایرانی به حدود دو میلیارد دلار رسید، اما اکنون این رقم به شدت کاهش یافته و به ۴۰ میلیون دلار رسیده است. این کاهش صادرات، علاوه بر ضربه به اقتصاد کشور، منجر به کاهش اشتغال در مناطق مختلف ایران شده است. یکی از دلایل اصلی مشکلات این صنعت، مهاجرت استادکاران به کشورهای رقیب است. به گفته آل اسحاق، به دلیل کاهش تقاضا برای فرش ایرانی در بازارهای



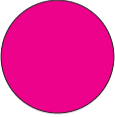
حمیدرضا بیاتی‌نیا کاشانی

مترجم

“

صادرات فرش دستباف ایرانی با وجود رشد سه درصدی در سال ۱۴۰۳ همچنان از شکوه گذشته فاصله دارد و نیازمند سیاست‌گذاری منسجم و حمایت هدفمند است

یادداشت
O P I N I O N



علی جیل‌عاملی

کارشناس بازار سهام

چشم‌انداز بورس در کوتاه‌مدت

بازار سرمایه ایران، پس از دوره‌ای پرنوسان، اکنون وارد مرحله‌ای از پویایی و رشد تدریجی شده است. با شروع ماه دوم سال ۱۴۰۴، هم‌افزایی مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، چشم‌اندازی مثبت برای بورس تهران تا پایان بهار به نمایش گذاشته است. شاخص کل بورس، که در ماه‌های گذشته در محدوده دو میلیون واحد نوسان داشت، در پی افزایش تقاضا در صنایع کلیدی و ورود نقدینگی جدید، به‌طور تدریجی نشانه‌های تحرک مثبت را از خود نشان داده است. در این روند، صنایع دلاری همچون پتروشیمی و فلزات اساسی و صنایع ربالی نظیر خودرو و بانک‌ها، اولویت‌های جدید سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود. نقدینگی، به‌عنوان محرک اصلی این تحركات، همچنان نقش مهمی در اقتصاد تورمی ایران ایفا می‌کند. اگر چه حجم بالای نقدینگی سرگردان به چالش‌های اقتصادی دامن زده، اما بازار سرمایه کم‌کم در حال جذب این منابع است. ورود پول هوشمند به بازارهای مختلف به‌ویژه صنایع صادرات‌محور، نشان‌دهنده بازگشت اعتماد به بورس تهران است. این روند، در کنار افزایش ارزش معاملات روزانه، گامی بلند برای انتقال بازار از فاز احتیاط به سمت رشد پایدار است. یکی از تحولات اخیر بورس تهران، بازگشایی موفق نماد ایران‌خودرو بود. این نماد، به‌دلیل وزن قابل‌توجه در شاخص کل و جذابیت آن برای سهام‌داران خرد، نقشی کلیدی در ایجاد جو مثبت در بازار ایفا کرد. بازگشایی این نماد باعث شد تا بورس تهران شاهد افزایش تقاضا و بهبود فضای روانی بازار باشد. از سوی دیگر، روند مثبت در برخی از نمادهای بزرگ، به‌خصوص در گروه‌های پتروشیمی و فلزات، این نشانه‌ها را تقویت می‌کند. نرخ ارز یکی از کلیدی‌ترین عوامل اثرگذار بر بورس تهران است. ثبات نسبی در نرخ دلار آزاد و نیمایی، که به‌دنبال سیگنال‌های مثبت از مذاکرات ایران و آمریکا شکل گرفته، موجب ترسیم فضایی اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاران شده است. این ثبات، در کنار کنترل نرخ ارز، به تقویت صنایع صادرات‌محور کمک کرده است. به‌ویژه صنایع پتروشیمی و فلزات اساسی که به نرخ ارز وابسته‌اند، از این روند بهره‌مند خواهند شد. اگرچه مذاکرات بین‌المللی امیدهایی برای کاهش فشارهای تحریمی و جذب سرمایه خارجی به وجود آورده، اما هرگونه تأخیر یا ناکامی در این زمینه می‌تواند موقتاً اعتماد بازار را تضعیف کند. تحولات جهانی نیز تأثیر زیادی بر بازار سرمایه ایران داشته است. رشد قیمت کامودیتی‌ها، مخصوصاً فلزات اساسی و محصولات پتروشیمی، به‌دلیل تقاضای جهانی و محدودیت‌های عرضه، فرصتی بی‌نظیر برای صنایع مرتبط فراهم کرده است. این روند همراه با افزایش قیمت‌های جهانی نفت و فلزات پایه، سودآوری صنایع پتروشیمی و فلزات را تقویت کرده و این صنایع را به کانون توجه سرمایه‌گذاران تبدیل کرده است. در عین حال، سیاست‌های داخلی مانند کاهش محدودیت‌های صادراتی و تأمین انرژی برای صنایع، می‌تواند این مزیت‌های رقابتی را به رشدی پایدار تبدیل کند. در مجموع، بورس تهران در شرایط فعلی با بهبود فضای روانی، افزایش تقاضا در صنایع کلیدی و تحولات جهانی مسیر صعودی تدریجی را طی می‌کند. با افزایش ارزش معاملات روزانه و بازگشت اعتماد به بازار، به نظر می‌رسد که تا پایان بهار ۱۴۰۴، بورس تهران از فاز احتیاط عبور کرده و به سمت رشد پایدار حرکت خواهد کرد.